کاربرگ ۱

۱- درست است.

۲- نادرست است. ماه شرف خانم نخستین تاریخ‌نویس کرد است که در شهر سنندج به دنیا آمد. وی شاعری است که به دو زبان فارسی و کردی شعر سروده است.

۳- درست است.

۴- هاتف اصفهانی از شاعران دورهٔ افشاریه و زندیه است. در سرودن غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد.

۵- رسالهٔ قشیریه از ابوالقاسم قشیری، عارف قرن پنجم است. اصل این کتاب به زبان عربی است. موضوع این کتاب معرفی برخی از بزرگان عارف و شرح اصطلاحات و الفاظ رایج میان آنهاست.

۶- ما باید هنگام خواندن هر اثر و شنیدن گفتار هر شخص با درنگ و تأمّل، نحوهٔ گزینش واژه‌ها و زمینهٔ فکری آن را جست‌وجو کنیم.

۷- ۱- متن اثر به نثر است یا به نظم؟ ۲- شیوهٔ بیان نوشته زبانی است یا ادبی؟ ۳- واژه‌های متن ساده و قابل فهم هستند یا دشوار و دیریاب؟

۸- طلعت، طالع / لطف، لطیف / امر، اوامر

۹- زبان، مجاز از دهان / تلمیح به آیه‌های «خلق الانسان، علّمه البیان» (انسان را آفرید و به او سخن گفتن آموخت)

۱۰- از راه دل (بصیرت) خداوند را ببین. حقیقت‌هایی را که با چشم ظاهری و مادّی نمی‌توانی ببینی، از راه دل، درک می‌کنی.

۱۱- دستگیر: یاریگر، مددکار / کنه: پایان و حقیقت چیزی، ذات / ماورا: پشت سر، آن سوی، در پی، آنچه در پشت چیزی باشد / منتها: به پایان رساننده، آخر

۱۲- دوخت ← بن مضارع ← دوز / مصدر ← دوختن

آموخت ← بن مضارع ← آموز / مصدر ← آموختن

۱۳- تُعزُّ مَن تَشاء و تُذلُّ من تَشاء: هر کس را بخواهی عزیز می‌کنی و هرکس را بخواهی خوار می‌سازی.

۱۴- الف) مراعات نظیر، کنایه، جناس / ب) مراعات نظیر / ج) تشبیه (آیینهٔ دل)

۱۵- توجّه خواهند کرد ←آینده / است ← مضارع / دیدیم ← ماضی / بردند ←ماضی / به دست خواهد آورد ← آینده

۱۶- گزینهٔ ۲)؛ بیت اول ← دو جمله / بیت دوم ← چهار جمله / بیت سوم ← یک جمله / بیت چهارم ← سه جمله

۱۷- گزینهٔ ۱)؛ املای درست کلمات به ترتیب گزینه‌ها عبارت است از: «طنین، توفنده‌اش / عاج / قصّه‌ها» در گزینهٔ ۴ غلط املایی وجود ندارد.

۱۸- گزینهٔ ۲)؛ نَحْنُ اَقْربُ اِلَیْهِ مِن حَبْلِ الوَرید ← دوستی از من به من نزدیک‌تر / از رگ گردن به من نزدیک‌تر

۱۹- گزینهٔ ۲)؛ ریا: دورویی، نفاق / نیّت: قصد، آهنگ، عزم

۲۰- گزینهٔ ۱)؛ در جمله‌های دوم (آن روز از آسمان آتش می‌بارید.) و سوم (خورشید بی‌رحمانه می‌سوخت) به ترتیب، آرایه‌های مبالغه، مجاز و تشخیص به‌کار رفته است. در جمله‌های اوّل، چهارم و پنجم هیچ تصویر و آرایه‌ای وجود ندارد.

کاربرگ ۲

۱- نادرست است؛ نهج‌البلاغه گزیده‌ای از نامه‌ها، خطبه‌ها، سخنان و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) است که عالم بزرگوار شیعی، سیّد رضی آن را گردآوری کرده است.

۲- یکی از راه‌های تقویت ذهن و توانایی‌های زبان، دقت در نگاه کردن و خوب دیدن است.

۳- قاآنی از شاعران دورهٔ قاجار است هنر او در قصیده‌سرایی و انتخاب واژگان خوش‌آهنگ و توصیف‌های نیکو است. کتاب پریشان را به شیوهٔ گلستان سعدی نوشت.

۴- رعایت نکردن فاصلهٔ مناسب بین حرف‌های یک کلمه یا کلمات یک جمله، در خواندن آنها ابهام ایجاد می‌کند.

۵-

جمع	مفرد
دلایل	دلیل
اسرار	سر
فصول	فصل
حشرات	حشره
تماثیل	تمثیل
اطراف	طرف

۶- کاکلی سبز رنگ و پرنقش و نگار ← گروه نهادی

۷- «دم طاووس گویی بادبان کشتی است که ناخدا آن را برافراشته است.»

چهار رکن: رکن اوّل ← مشبّه (دم طاووس، به چیزی تشبیه شده است) / رکن دوم ← مشبّهٌ به (بادبان کشتی، که دم طاووس به آن مانند شده است)

رکن سوم ← وجه شبه (شباهتی است که بین دم طاووس و بادبان کشتی وجود دارد)

رکن چهارم ← ادات تشبیه (کلمه‌ای است که مشبّه را به مشبّهٌبه پیوند می‌دهد (گویی))

۸- پاسخ به عهدهٔ دانش‌آموز است.

۹- از محبّت، خارها گل می‌شود.

۱۰- گل کامکار: نوعی گل بسیار سرخ و زیبا / حیران: سرگشته، متحیّر / روزی: خوراک

۱۱- آن نقّاش ماهر، چه کسی است که بدون تقلید از دیگران، این همه تصویر را بر روی صفحهٔ جهان هستی، کشیده است. (خداوند، بزرگ‌ترین نقّاش طبیعت است.)

۱۲- سرو ← نماد آزادگی / آینه ← نماد پاکی و زلالی

زیتون ← نماد صلح / دریا ← نماد پاکی و عظمت

باد صبا ← نماد خوش خبری و پیام رسانی / چشمه ← نماد پاکی و جوشش

۱۳- الف: می‌خندد و می‌گرید ←تضاد / خندیدن برق و گریستن ابر ← تشخیص

ب: حیران شدن عقل ←تشخیص/ نژند بودن خاک هم تشخیص دارد.

۱۴- گزینهٔ ۲)؛ املای درست کلمه، «حواس» است.

۱۵- گزینهٔ ۴)؛ کلمه‌های گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ همگی از سه جزء ساخته شده‌اند «نیرو، پیروز، قدرت + مند + انه» امّا «مقتدرانه» از دو جزء «مقتدر» + «انه» ساخته شده است.

۱۶- گزینهٔ ۱)؛ [او] چون گربه به سرعت حمله کرد.

مشبه ادات مشبهٌبه وجه‌شبه

۱۷- گزینهٔ ۳)؛ در گزینهٔ ۳، «چون» به معنی «زمانی که» است و نمی‌تواند به صورت ادات تشبیه، به کار رود.

۱۸- گزینهٔ ۳)؛ املای درست کلمات عبارت است از: «بوته‌های خار، چشمهٔ پاک و زلال، سنجاقک مهربان»

۱۹- گزینهٔ ۴)؛ هجر: دوری

۲۰- گزینهٔ ۳)؛ سعدیا / چون تو کجا نادره گفتاری هست / یا چو شیرین سخنت نخل شکرباری هست

کاربرگ ۳

۱- درست است.

۲- درست است.

۳- درست است. تکرار «ف» و «ر» «واج‌آرایی» به وجود آورده است.

۴- سرزمین ما را ایران می‌نامند که به معنی سرزمین آزادگان است و آزادزادگان

۵- واج‌آرایی دو حرف «س» و «الف»

۶- واج‌آرایی «د»، تشخیص هم دارد.

۷- چشم به خیرگی کشاندن کنایه است از به تعجّب و حیرت واداشتن

۸- معنی عبارت: این مسئولیت و وظیفه به اندازهٔ کوه دماوند سنگین است که پشت هر انسانی را خرد می‌کند و نابود می‌سازد.

۹- الف) گفت / دیگر فنّ کوزه‌گری را به تمامی آموخته‌ام / و قصد دارم / در کارگاه خود استادکار شوم /

ب) شاگرد ناگزیر نزد استاد بازگشت / استاد او را واداشت / مدّتی دیگر نزد او بماند / تا اشکال کار را دریابد

۱۰- خیرگی: حیرت، سرگشتگی / پردل: شجاع / خاستگاه: مبدأ، محلّ پیدایش / روشن رای: نیک‌اندیش

۱۱- جامع التّواریخ، تاریخ مفصّل جهان است که مؤلّف آن خواجه رشید الدّین فضل‌الله می‌باشد. وی در نوشتن این کتاب، از اسناد و نوشته‌های دولتی و از نظریّات دانشمندان معاصر خویش استفاده کرده است.

۱۲- هرکس ایران را به درستی بشناسد، دل بدان خواهد باخت و جوشان و پرتوان خواهد کوشید که در آبادی و آزادی، شکوفایی و توانایی، پیروزی و بهروزی آن، از هیچ تلاش و تکاپویی باز نماند و دریغ نورزد.

۱۳- آزادگان ← آزاده / دانادلان ← دانا دل / مردمان ←مردم / بیگانه ← بیگانگان / مِلک ← املاک / یلان ← یل / پاکان ← پاک / همه ← همگان

۱۴- به علّت تکرار صامت «چ»و «ن» این بیت دارای آرایهٔ نغمهٔ حروف است. / مراعات نظیر: سرو، گل، چمن / جناس: چمان، چمن – چمن، سمن/ سرو: استعاره از معشوق

۱۵- الف) شیر شیران: نیرومندترین نیرومندان / ب) یلان پردل: پهلوانان نترس و باجرئت

۱۶- گزینهٔ ۲)؛ املای درست کلمه، «آزادگی‌شان» است.

۱۷- گزینهٔ ۱

۱۸- گزینهٔ ۳)؛ املای درست کلمات عبارت است از: «تبار ایرانیان، تپیدن دل، خاستگاه بخردان»

۱۹- گزینهٔ ۲)؛ در «شرمندگی» بن مضارع وجود ندارد امّا در سه گزینهٔ دیگر، بن مضارع وجود دارد.

۲۰- گزینهٔ ۳)؛ والایی: ارجمندی/ روشن رای: روشن فکر/ دریغ ورزیدن: مضایقه کردن، کوتاهی کردن

۲۱- گزینهٔ ۲)؛ عبارت از «پنج» جملهٔ امری تشکیل شده است.

کاربرگ ۴

۱- درست است.

۲- نادرست است؛ مترادف هستند.

۳- سنجش

۴- جایگاه فعلی – نقش‌های مختلفی

۵- مفعول یا متمّم یا مسند و ...

۶- خودآگاهی، ارتباط مؤثّر، تصمیم‌گیری، چیرگی بر احساسات و هیجانات، تفکّر خلاّق

۷- زندگی، یک سفر است. زندگی ← مشبه / سفر ← مشبهٌبه

۸- عیان: آشکار، ظاهر / فغان: آه، ناله، بانگ، فریاد / طراوت: شادابی، تازگی

۹- پنج جمله: گفتم / که روی خوبت از من چرا نهان است / گفتا / تو خود حجاب [هستی] / ورنه رخم عیان است

۱۰- الف) میوهٔ الوان ← مفعول / چوب ← متمّم / خار ← متمّم / ب) ماهی ← متمّم / پرخویش ← مفعول / ج) خجسته شیراز ← نهاد / حافظ ← نهاد / بوی گل ← متمّم / د) کریم ← منادا / رزق ← متمّم / انعام ← متمّم

۱۱- سوختن جان ← کنایه از گرفتار رنج و عذاب شدن / آتش ← استعاره از عشق / آتش و سوخت ← مراعات نظیر / سوخت ← تکرار

۱۲- املای درست کلمات عبارت است از: «نصیب کردن، طراوت و شکوفایی»

۱۳- خواند، خورد، نوشید، دور می‌کند ← علاوه بر نهاد، به مفعول هم نیاز دارند.

۱۴- الف) به ← حرف اضافه / حرف ← متمّم / ب) به ← حرف اضافه / کوهستان ← متمّم

۱۵- گزینهٔ ۲)؛ مفهوم سخن: هر کس خود را بشناسد، خدای خود را می‌شناسد. (خودآگاهی)، البته بهتر است بگوییم خودشناسی

۱۶- گزینهٔ ۲)؛ مهارت‌های لازم برای زندگی ← خودآگاهی، تصمیم‌گیری، ارتباط مؤثر و ...

۱۷- گزینهٔ ۱)؛ پرمشقّت: پر از دشواری/ مؤثّر: اثرگذار/ مهار: افسار

۱۸- گزینهٔ ۱)؛ مفعول‌ها، به‌ترتیب گزینه‌ها عبارت‌اند از: بال و پرت دو بار حساب می‌شود؛ بالت، پرت، خاکسترت/ هر گوشهٔ سنگرت/ بوسهٔ آخرت/ تن بی‌سرت

۱۹- گزینهٔ ۳

کاربرگ ۵

۱- درست است. بند: مشبهٌبه / غم: مشبه

۲- درست است. واج‌های «ج»، « ا » و «ن»

۳- درست است. تکرار «ل» و «ب» ایجاد موسیقی کرده است.

۴-درست است.

۵- کفتری ← نهاد / آب ← مفعول / سیره‌ای ← نهاد / پَر ← مفعول / پُر ← مسند

۶- مصوّت «ـــُـ» واج‌آرایی به وجود آورده است.

۷- الف) زبانی / ب) ادبی

۸- الف) تو مانند بهار هستی (تو ← مشبّه / بهار ← مشبّهٌبه) / سرو آزاده ← استعاره از معشوق /

ب) عشق مانند شهد (شیرینی) است. (عشق ←مشبّه/ شهد ← مشبّهٌبه) ایران مانند مهد (گهواره) عشق است.

(ایران ←مشبّه/ مهد عشق ← مشبّهٌبه)

۹- «م» در خندیده‌ام ←مشبّه (من خندیده‌ام) و غنچه ← مشبّهٌبه [من] مانند غنچه سربسته، خندیده‌ام

۱۰- الف) تکرار «ب» / ب) تکرار «ش» و «خ»

۱۱- گزینهٔ ۱)؛ در این گزینه هیچ تصویر و آرایهٔ ادبی به کار نرفته است. در سایر گزینه‌ها تشخیص وجود دارد.

۱۲- گزینهٔ ۳

۱۳- گزینهٔ ۲)؛ تکرار مصوّت «ـــِـ» واج‌آرایی به‌وجود آورده است.

۱۴- گزینهٔ ۴)؛ دوستی، مهربانی ← نهاد/ جایی، هیچ معنایی ← مفعول

۱۵- گزینهٔ ۱)؛ و چنان بی‌تابم/ که دلم می‌خواهد/ بدوم تا ته دشت/ بروم تا سر کوه

حرف‌اضافه متمّم

۱۶- گزینهٔ ۲)؛ املای درست کلمات: «پای داس مانند ـ دو حدقهٔ چشم»

کاربرگ ۶

۱- درست است. زیرا منادا و حرف نداست (یار + ا)

۲- درست است.

۳- ملک‌الشعرای بهار

۴- جزء ← بخشی از کلّ چیزی / جز ← مگر، غیر، الاّ

۵- شعر «راه نیک‌بختی» محتوای اندرزی دارد و در قالب مثنوی سروده شده است.

۶- ده روزه ← کنایه از مدّت کم، مدت ناپایدار / ده روزه مهر گردون مانند افسانه و افسون است ← تشبیه / تکرار «س» در مصراع اوّل ← واج‌آرایی

۷- هر سه کلمه نقش دستوری «مسند» دارند.

۸- تلمیح دارد به آیهٔ «و بِالوالِدَیْنِ احساناً»

۹- ایرج میرزا

۱۰- شعر ایرج میرزا ساده و روان و مشتمل بر کلمات و تعبیرات عامیانه است و مسائل مختلف اجتماعی را با زبانی ساده و شوخی‌های نیشدار بیان می‌کند.

۱۱- الف) هنگامی که هر شب برای خوابیدن به رختخواب می‌روی، در این باره، خوب فکر کن

ب) که آن روز، چه قدر به علم و دانش تو اضافه شد و از کارهایی که انجام دادی چه‌قدر سود بردی.

۱۲- شاعران و نویسندگان سروده‌ها و نوشته‌هایی دارند که در آن ها راه بهتر زیستن و خوش‌بختی را نشان می‌دهند. به این نوع نوشته‌ها، ادبیّات اندرزی یا تعلیمی گفته می‌شود.

۱۳- گزینهٔ ۳

۱۴- گزینهٔ ۲

۱۵- گزینهٔ ۱)؛ بیت، سه جمله دارد.

۱۶- گزینهٔ ۳)؛ معنی حدیث: سخن حق را بگویید حتّی اگر به ضررتان باشد.

۱۷- گزینهٔ ۲)؛ در صورت پرسش و بیت گزینهٔ ۲ این مطلب تأکید شده است: زمان فراگرفتن علم و دانش و رهایی از بازی‌گوشی و بی‌توجّهی است.

۱۸- گزینهٔ ۲)؛ خرسند ← قانع، خشنود، راضی

۱۹- گزینهٔ ۳)؛ املای درست کلمات عبارت است از: «لحن و آهنگ خواندن، تأمّل کردن، مهارت اصلی زبان»

۲۰- گزینهٔ ۲

کاربرگ ۷

۱- نادرست است. از عارفان قرون دوم و سوم هجری است که در بغداد به دنیا آمد.

۲- نادرست است. بهلول (وفات ۱۹۰ هـ.ق) از اشخاص دانا و آگاه معاصر هارون‌الرشید خلیفهٔ عباسی بود.

۳- محمد حبله‌رودی از نویسندگان بزرگ قرن یازدهم هجری است و اثر معروف وی جامع التّمثیل است.

۴- در پی کسی روان شدن ← کنایه از به دنبال کسی رفتن

۵- جولاهگان: بافندگان، نسّاجان

۶- مآل اندیش: عاقبت‌اندیش / مال‌اندیش ← ثروت دوست

۷- اینترنت ← نهاد / پنجره‌ای ← مسند / بیرون ← مضاف‌الیه / ممکن ← مسند

۸- ابزارها ← مشبه / همچون ← ادات تشبیه / بمب ← مشبهٌ‌به

۹- سخن گفتن ← متمّم / پاک ← مسند / درست ← مسند

۱۰- در دسته‌ای دیگر از کلمه‌ها، از گذاشتن نشانهٔ «مد» بر روی آن‌ها باید پرهیز کرد؛ مانند: فرایند (فرآینـد) – پیشامد (پیش‌آمد) – همایش (همآیش)

۱۱- اسرار التّوحید، کتابی است تألیف «محمّد بن منوّر» در شرح حال و سخنان ابوسعید ابوالخیر.

* محمّدبن منوّر یکی از نوادگان ابوسعید است.

۱۲- مرشد: هدایت کننده، راهنما / حسد: حسادت / احوال: وضعیّت / شیخ: راهنما، مرشد

۱۳- می‌خورم، لقمه ← مراعات نظیر / تکرار «م» ← واج آرایی

۱۴- گزینهٔ ۲)؛ واژهٔ «ماشین» بعد از کسره آمده است، بنابراین، هسته نیست.

۱۵- گزینهٔ ۱)؛ دو زوج متضاد داریم: فرع ≠ اصل، حلال ≠ حرام

۱۶- گزینهٔ ۳)؛ املای درست کلمه، «برخاستی» است.

۱۷- گزینهٔ ۳)؛ حرمت: عزّت و احترام، البتّه معنی دیگری هم دارد: حرام بودن

۱۸- گزینهٔ ۴)؛ معنی درست ← تو ادّعای دانایی و خردمندی می‌کردی

۱۹- گزینهٔ ۳)؛ گزینهٔ ۳ به غیبت نکردن تأکید دارد امّا سه گزینهٔ دیگر به سخنان درسـت و ارزشـمند اشـاره دارد و سخنان بیهوده و بی‌ارزش را سرزنش می‌کند.

۲۰- گزینهٔ ۳)؛ املای درست در سایر گزینه‌ها عبارت است از: « اسطرلاب، هنجار، رهاورد»

۲۱- گزینهٔ ۲)؛ هجوم فتنه‌های آسمانی ← نهاد/ علم زندگانی ← مفعول / مرا (= به من) ← متمّم

کاربرگ ۸

۱- نادرست است.

۲- نادرست است. سه جمله دارد./ کای فلان/ چاشت بده / یا شامم [بده]

۳- دانهٔ شکر کاشتن کنایه است از خداوند را شکر کردن

۴- مسلسل (سلاح جنگی)

۵- نفحات الانس اثر جامی، شاعر و نویسندهٔ معروف ایرانی در قرن نهم هجری است.

۶- املای درست کلمات عبارتند از: «سِلاح‌ها، خوار نساخت، خارکشی»

۷- طلوع کردن خورشید

۸- بالین نِه ← کنایه از محتاج و نیازمند / بر، در ← جناس

۹- دامن ← متمّم / چه عزیزی ← گروه مفعولی

۱۰- گردان: واحد نظامی که معمولاً شامل سه گروهان است.

گروهان: واحد نظامی که معمولاً مرکّب از سه دسته و کوچک‌تر از گردان است.

۱۱- خس: خاشاک، شخص پست و فرومایه / افتادگی: تواضع، فروتنی / عزّ: ارجمندی، عزّت

۱۲- الف) تاج عزّت بر سر کسی نهادن ← کنایه از بزرگ و سربلند کردن

ب) در دولت گشودن ← کنایه از سعادت و خوشبختی

۱۳- گزینهٔ ۴)؛ گفتن ثنای تو ← گروه نهادی

۱۴- گزینهٔ ۳)؛ دانه شکر ← ترکیب اضافی

۱۵- گزینهٔ ۲

۱۶- گزینهٔ ۴)؛ فرازنده: افرازنده، بلند کننده، برپا کننده / نوازنده: آن که نوازش و مهربانی کند / نژند: اندوهگین، غمناک، سرد و بی‌روح

۱۷- گزینهٔ ۴)؛ در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به وارستگی و ترک دلبستگی‌های مادّی، تأکید شده است. در گزینهٔ ۴، بر این تأکید شده که سرنوشت را نمی‌توان عوض کرد.

۱۸- گزینهٔ ۳

۱۹- گزینهٔ ۱)؛ املای درست کلمه، «شکرگزاری» است.

۲۰- گزینهٔ ۳)؛ «نوازنده» در گذشته به معنی کسی بود که مهربانی و لطف می‌کرد و امروز به معنای «ساز زن» است.

۲۱- گزینهٔ ۱)؛ می‌کشیدند ←ماضی (استمراری)

کاربرگ ۹

۱- درست است.

۲- درست است.

۳- درست است.

۴- ادبیات اندرزی یا تعلیمی

۵- مهربان ← مسند / دل ← متمّم

۶- تو ← نهاد / چشم عبرت ← مفعول / گوش عقل ← مفعول / تصرّف تقدیر ← متمّم / عاجز ← مسند / ادراک ← نهاد

در این بیت «تو، چشم عبرت، گوش عقل، تصرّف تقدیر، عاجز، ادراک» گروه اسمی هستند.

۷- چشمه ← منادا / جاری ←مسند / آینه ← نهاد / تجلّی‌گاه ← مسند

۸- هسته‌ها به‌ترتیب عبارت‌اند از: «درخت، راه، دانش‌آموز، رزمنده»

۹- فرازنده: افرازنده، بلند کننده، برپاکننده / جولاهه: بافنده، نسّاج / حصار: دیوار / معترف: اعتراف کننده، اقرار کننده

۱۰- گزینهٔ ۲)؛ این بیت از بوستان سعدی انتخاب شده که جزو ادبیّات تعلیمی است و مفهوم اندرز و نصیحت را دارد.

۱۱- گزینهٔ ۴)؛ این بیت از شاهنامهٔ فردوسی انتخاب شده است. شاهنامه، حماسی است.

۱۲- گزینهٔ ۲)؛ انسانی «هسته» است. بقیّهٔ گزینه‌ها چون بعد از کسره آمده‌اند هسته نیستند و وابستهٔ هسته به حساب می‌آیند.

۱۳- گزینهٔ ۲)؛ خورشید ← نهاد / نگاهِ ←مفعول / گل ← نهاد / قرص ماه ← مفعول

۱۴- گزینهٔ ۲

۱۵- گزینهٔ ۳)؛ معنی درست ← گفت ای پیر کم عقل و نادان، ساکت باش

۱۶- گزینهٔ ۳)؛ در بیت گزینهٔ ۳، دو جمله به‌کار رفته است.

آزمون (۱) ترم اول

۱- پرستار: فرمانبردار، مطیع / طنین: آهنگ، انعکاس صدا / نژند: اندوهگین، غمناک، سرد و بی‌روح / عیان: آشکار، ظاهر / به جای: در حقّ / تأمّل: اندیشه، فکر / خرسند: قانع، خشنود / جیب: گریبان، یقه

۲-

ـ از راه دل خداوند را ببین. حقیقت‌هایی را که با چشم ظاهر نمی‌توانی ببینی، از راه دل درک می‌کنی.

ـ طاووس از عجیب‌ترین پرندگان جهان هستی است که خداوند آن را در کامل‌ترین و زیباترین شکل خود خلق کرد.

ـ آن نقّاش ماهر، خداوند است که بدون تقلید از دیگران، این همه تصویرهای زیبا را در جهان هستی به‌وجود آورده است.

ـ بهترین و پایدارترین ستایش، آن ستایشی است که دشمنان، آن را به زبان بیاورند و بنویسند.

ـ کشور ما همیشه سرزمین مقدّس شکوه، روشنایی، دانایی و علم و ادب بوده است.

ـ تو ادعای دانا بودن می‌کردی، اکنون که به نادانی خودت قرار کردی، به تو یاد می‌دهم.

۳- غفلت، غافل　　حرمت، حریم　　تحسین، حُسن　　لطف، الطاف

۴- آرایه‌های ادبی به‌ترتیب عبارتاند از:

ـ آرایهٔ تکرار (حرف «ب»)

ـ سوختن جان ← آرایهٔ کنایه

ـ سر به هم آوردن ← آرایهٔ کنایه

ـ ستاره به پولک ← آرایهٔ تشبیه

۵- گزینهٔ ۳)؛ هواپیما ← هسته

۶- گزینهٔ ۲)؛ هجوم فتنه‌های آسمانی ← نهاد / علم زندگانی ← مفعول / مرا (به من) ← متمّم

۷- گزینهٔ ۴)؛ سخن ← مفعول / تو ← متمّم

۸- نماز ساده ← نمازی که از ظاهرپرستی دور باشد.

۹- تأکید بر امانت‌داری و نیکوکرداری دارد.

۱۰- حنجارهای اخلاقی ← هنجارهای اخلاقی / هرمت انسانی ← حرمت انسانی / غوغایی بی‌آفرینند ← غوغایی بیافرینند / فهم مصتمعان ← فهم مستمعان / برخواست ← برخاست / تعمّل ← تأمّل / سهرگهان ← سحرگهان

۱۱- گزینهٔ ب)؛

۱۲- ترکیبات وصفی ← خالق بی‌همتا ـ اسرار پیچیده ـ خاک تاریک ـ برترین ارمغان

ترکیبات اضافی ← شگفتی‌های آفرینش ـ راز آفرینش ـ خوراک زمستان ـ کشور دلیران ـ کانون روشنی

۱۳- حقوق ← حق / احوال ← حال

۱۴- جاهای خالی به‌ترتیب عبارت است از:

دستگیر ـ خطابخش

جلالش ـ جمالش

تماثیل ـ تصاویر

قاه قاه ـ زار زار

۱۵- جاهای خالی به‌ترتیب عبارت است از: ملاصدرا ـ صفوی ـ کتاب وافی ـ شوق المهدی

آزمون (۲) ترم اول

۱- متّفق: هم‌فکر، هم‌رأی / توفنده: خروشان، پرخروش / نغز: خوب، نیکو / زنهار: بپرهیز، آگاه باش / سپند: مقدس، ارجمند / پلشتی: آلودگی، ناپاکی / فرازنده: بلندکننده، برپاکننده / ثنا: ستایش، شکر

۲-

ـ خداوند با تمام ناتوانی و بیچارگی‌ام، به من عزّت و بی‌نیازی بخشیده است.

ـ دشمنان مردم ایران با استفاده از وسایل تکنولوژی بدون سر و صدا و با اندیشه، جنگی به راه انداختند.

ـ هر کسی به راحتی نمی‌تواند بنیان خانواده را از بین ببرد و نابود کند.

ـ محبّت دنیا همانند قصّه و داستانی، زودگذر است.

ـ گفتم ای امام زمان چرا چهره‌ی زیبای خود را از من پنهان می‌کنی و ظهور نمی‌کنی؟ در جواب گفت چهرهٔ من قابل دیدن است اما تو خودت مانع دیدن من هستی.

ـ تو از آن انسان‌های آزاداندیش هستی که پایدار و خستگی‌ناپذیر مانند کوه تلاش می‌کنند.

۳- «دولت» در گذشته به معنی خوش‌بختی و اقبال بوده است اما امروزه به مجموعهٔ وزارت‌خانه ها و سازمان‌های اداره‌کنندهٔ یک کشور گفته می‌شود.

۴-

ـ به گوش آمدن ← کنایه از شنیدن

ـ مرغ و مور و مگس ← مراعات‌نظیر

ـ فرش، گلیم، بوریا ← مراعات‌نظیر

ـ غم و شادمانی ← تضاد

۵- گزینهٔ ۳)؛

۶- گزینهٔ ۲)؛ «نیست» فعل اسنادی است و به نهاد و مسند نیاز دارد و یک جملهٔ سه بخشی میسازد.

۷- ابوذر ← منادا / سخنان ← مفعول / سخن ← مفعول / گشاده‌روی ← مسند

۸- برای جبران کردن هیچ‌وقت دیر نیست (استفادهٔ به موقع از وقت، به نفع ماست)

۹- به مفهوم تجربه‌اندوزی اشاره دارد.

۱۰- همه ← همگان / ادب ← آداب

۱۱- املای درست: طراوت ـ بوتهٔ خار

۱۲- سنگ نماد انسان فداکار و از خود گذشته است / مرداب نماد انسان بی‌تفاوت و خودخواه است. / سنجاقک نماد کسانی است که به دیگران کمک می‌کنند.

۱۳-

Δ _____ Δ _____

□ _____ □ _____

○ _____ ○ _____

۱۴-

گفتم که سوخت جانم از آتش نهانم / گفت آن‌که سوخت او را کی ناله یا فغان است

گفتم ز فیض بپذیر این نیم جان که دارد / گفتا نگاه دارش، غم خانهٔ تو جان است

کای فرازندهٔ این چرخ بلند / ای نوازندهٔ دل‌های نژند

نوجوانی به جوانی مغرور / رخش پندار همی راند ز دور

۱۵- جاهای خالی به‌ترتیب عبارت است از: دورهٔ افشاریه و زندیه ـ از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد.

کاربرگ ۱۰

۱- نادرست است. همزه (ء) یکی از حرف‌های الفبای زبان فارسی است.

۲- نادرست است. ترکیب اضافی است.

۳- لهجه: شکلی از زبان و گفتار که با نشانه‌هایی از زبان محلّی تکلّم شود.

۴- صفت بیانی دربارهٔ چگونگی و ویژگی‌های اسم توضیحاتی را بیان می‌کند. صفت بیانی معمولاً پس از اسم می‌آید و وابستهٔ پسین اسم به شمار می‌رود.

۵- ارادت: میل، رغبت، دوست داشتن

۶- میرزا تقی‌خان

۷- رسا: بلند، رسنده، کلام شیوا / ذکاوت: تیزهوشی / نامدار: معروف، مشهور

۸- الف: نغمهٔ حروف و تکرار

ب: نغمهٔ حروف و تکرار

ج: تضاد

د: مراعات‌نظیر

۹- در این عبارت واژه‌های «شعرا» و «مجالس» جمع مکسّر هستند. مفرد آن‌ها: شاعر، مجلس

۱۰-

الف: مرجع شجاع ، فتوای تاریخی

ب: آینده‌ای درخشان

ج: برگ‌های سبز ، نور گرم

۱۱- املای درست ← رؤیا، مؤسّس، رئوس

۱۲- گزینهٔ ۳)؛ لب گزید کنایه است از افسوس خوردن، پشیمان شدن، خجالت کشیدن

۱۳- گزینهٔ ۲)؛ املای درست کلمات: «منشأ خدمات، هلهله و شادی»

۱۴- گزینهٔ ۳)؛ املای درست کلمه، «شعرخوانی» است.

۱۵- گزینهٔ ۳

۱۶- گزینهٔ ۱)؛ بقیهٔ گزینه‌ها ترکیب وصفی هستند.

۱۷- گزینهٔ ۱

۱۸- گزینهٔ ۳

۱۹- گزینهٔ ۳)؛ کاغذ ذهن (ذهن مانند کاغذ) ← تشبیه / قلم، کاغذ، نوشتن ←مراعات نظیر/ تکرار «ش» ← واج‌آرایی

۲۰- گزینهٔ ۳)؛ صفت بیانی در دیگر گزینه‌ها: دانا، توانا/ دردآلود/ دانا

۲۱- گزینهٔ ۳

کاربرگ ۱۱

۱- درست است.

۲- کمال‌الدین بهزاد، نقاش و مینیاتورساز مشهور اواخر عهد تیموری و اوایل دورهٔ صفوی

۳- سحرآمیز: آمیخته به جادو، فریبنده

۴- ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت / بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت

۵- نوشتهٔ ابوالقاسم قشیری از عارفان قرن پنجم است. اصل این کتاب به زبان عربی است. موضوع کتاب، معرّفی برخی از بزرگان عارف و شرح اصطلاحات و الفاظ رایج میان آن‌هاست.

۶- املای درست کلمه‌ها: «میرزا، سیّدجمال، فتوا، تنباکو، محاربه»

۷- جود، سجود ← جناس / سجود، وجود ← جناس

۸- طایر ← نهاد / تو ← متمّم

۹- ایمان و اعتقاد مردم

۱۰- به کلماتی که دارای حروف مشترک هستند و این حروف از یک جنس هستند، جناس می‌گویند که شعر و نثر را زیباتر و خوش آهنگ‌تر می‌کنند.

مانند: ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت.

۱۱- چمن، چمان ← جناس / چمن، سمن ← جناس

۱۲- گزینهٔ ۱)؛ تنگنا: سختی

۱۳- گزینهٔ ۴

۱۴- گزینهٔ ۱)؛ املای درست کلمه، «حرمت» است.

۱۵- گزینهٔ ۳

۱۶- گزینهٔ ۳)؛ یعنی: خداوند از همه چیز با خبر است.

۱۷- گزینهٔ ۴)؛ جناس در سایر بیت‌ها: «باز، باز / پشت، پشته / فلک، ملک»

۱۸- گزینهٔ ۱)؛ مجتمع ← مشتمع

کاربرگ ۱۲

۱- درست است.

۲- خون دل خوردن کنایه است از درد و رنج بسیار کشیدن

۳- ادیب الممالک- شاعر و روزنامه نگار عصر مشروطه بود.

۴- شعرهای میهنی برای بیان حسّ غرور، عظمت و افتخار ملّی سروده می‌شوند.

۵- «آن» و «این» صفت‌های اشاره‌ای هستند که دربارهٔ دوری و نزدیکی آن امر توضیح می‌دهند.

۶- من از تو برنمی‌گردم تا بمیرم ← من تا زمانی که زنده هستم به تو وفادارم.

۷- آفتاب شمایل ← استعاره از وطن / دریا دل ← کنایه از شجاع و دلیر / تشبیه وطن به درخت گردوی کهنسال / شمشیر ← مجاز از جنگ و مبارزه

۸- اتفاق تاریخی طوفان شن در طبس

۹- صمیمیّت، سادگی و بی‌پیرایگی در اشعار سلمان هراتی موج می‌زند. از جمله آثار وی، می‌توان به «از آسمان سبز»، «دری به خانهٔ خورشید»، «از این ستاره تا آن ستاره» اشاره کرد.

۱۰- تشبیه‌ها ← بمب و موشک، هر دو به آتش تشبیه شده‌اند.

کنایه‌ها ← رنگ نباختن و برخود نلرزیدن (هر دو کنایه به معنی نترسیدن است.)

۱۱- الف ← تشخیص، کنایه / ب ← تشخیص / ج ← تضاد، کنایه ، تشبیه / د ← تکرار و تلمیح به اسفندیار شاهنامه و صنعت عکس

۱۲- فروتن: متواضع، افتاده / متواضع: فروتن، افتاده / صبور: بردبار، شکیبا

۱۳- املای درست کلمات عبارت است از «مجمع الجزایر، سدّی نفوذناپذیر، هجوم وحشیانهٔ صدّام»

۱۴-

همان دانش‌آموزان کلاس ← صفت اشاره

اوّلین گروه اعزامی مسابقات ← صفت شمارشی

آن چهار قهرمان کاراته ←صفت اشاره / چهار قهرمان ← صفت شمارشی

این میزهای کلاس درس ← صفت اشاره

۱۵- چو ← حرف ربط / دل ← متمّم / هفت مهر ← گروه نهادی

۱۶- گزینهٔ ۴)؛ عظیم: بسیار

۱۷- گزینهٔ ۳)؛ املای درست کلمه، «مایهٔ عزّت» است.

۱۸- گزینهٔ ۳)؛ من ← مشبّه / چون ← ادات تشبیه / نگهبان ← مشبّهٌ به / تو ← مشبّه / چـون ← ادات تشبیه / گنج ← مشبّهٌ به

۱۹- گزینهٔ ۲)؛ سفرهٔ دل ← تشبیه / سفره و نان ← مراعات نظیر / باز شدن سفرهٔ دل ← کنایه

۲۰- گزینهٔ ۱)؛

کاربرگ ۱۳

۱- درست است.

۲- درست است.

۳- برخی از واژه‌ها در زبان فارسی، به دو شکل نوشته و خوانده می‌شود؛ بدون آن که در معنای آنها تغییری ایجاد شود.

۴- در عقیدتش خلل بود: در ایمانش نسبت به خداوند، ضعفی وجود داشت.

۵- صفت تعجبی

۶- مثنوی معنوی

۷- جنگ امیرالمؤمنین با یکی از پهلوانان کفّار به نام عمروبن عبدود

۸- کدام ← وابستهٔ پیشین (صفت پرسشی) / پنج ← وابستهٔ پیشین (صفت شمارشی) / دانش‌آموز ← هسته / باهوش ← وابستهٔ پسین (صفت بیانی)

چه ← وابستهٔ پیشین (صفت تعجبی) / روزگار ← هسته / بی‌وفایی ← وابستهٔ پسین (صفت بیانی)

۹- املای درست کلمه‌ها: «شیر هوا، باد آز»

۱۰- بخشایش و درگذشتن از گناه نابه جا و بی‌موقع

۱۱- صفت پرسشی دربارهٔ نوع، چگونگی یا مقدار اسم، پرسش می‌کند. صفت پرسشی، پیش از اسم می‌آید و وابستهٔ پیشین اسم به شمار می‌آید.

۱۲- درم: پول نقره یا طلا / خجل‌وار: خجالت‌زده، شرمگین / موضع: جایگاه، محل

۱۳- گزینهٔ ۳

۱۴- گزینهٔ ۲)؛ املای درست کلمه، «طرّاری» است.

۱۵- گزینهٔ ۲)؛ «کدام» ضمیر اشاره است.

۱۶- گزینهٔ ۱)؛ این بیت، دو جمله دارد. مصدرها اسم هستند و جمله نمی‌سازند.

۱۷- گزینهٔ ۳

۱۸- گزینهٔ ۱)؛ فعل من (کار من) گواه دین‌داری (نیّت درونی من) است.

۱۹- گزینهٔ ۴)؛ «تیغ زدن» کنایه از جنگیدن است. امّا در این بیت، تشبیه وجود ندارد.

کاربرگ ۱۴

۱- نادرست است.

۲- درست است.

۳- جناس

۴- بین کلمه‌های «ریش» و «کیش» جناس وجود دارد.

۵- شعرهای میهنی برای بیان حسّ غرور، عظمت و افتخار ملّی سروده می‌شوند.

۶- صفت تعجبی ← چه هوای دل‌انگیزی / عجب صبر شیرینی

صفت پرسشی ← کدامین دورهٔ آمادگی / چند فیلم جنگی

۷- الف: «حنجره» و «پنجره» / ب: «ما» و «را» / ج: «راز» و «را»

۸- الف: کدام گلّه ← صفت پرسشی / ب: چه تحفه ← صفت پرسشی / ج: ← کدامین بحر ← صفت پرسشی

۹- گزینهٔ ۳

۱۰- گزینهٔ ۲)؛ در این بیت، واژه‌های «چمن و چمان» و «چمن و سمن» جناس دارند.

۱۱- گزینهٔ ۱)؛ چه رقم‌ها ← صفت تعجبّی (صفت پرسشی نیست)

۱۲- گزینهٔ ۲)؛ کان (= که آن) خانه / این نقش. در گزینهٔ ۴، «این» و «آن» ضمیر مبهم هستند.

صفت اشاره صفت اشاره

۱۳- وابسته‌های پیشین اشاره (صفت اشاره) به ترتیب عبارت‌ها عبارت‌اند از: این جا ← صفت اشاره، این سرزمین ← صفت اشاره / آن کشتی ← صفت اشاره، این دریا ← صفت اشاره / این سرزمین ← صفت اشاره / همین جوانه‌ها ←صفت اشاره، این خاک ← صفت اشاره

کاربرگ ۱۵

۱- نادرست است.

۲- درست است.

۳- سال ۱۳۴۲

۴- زبان، عامل انسجام و وحدت همهٔ اقوام یک سرزمین است.

۵- ترکیب اضافی ← انسان‌های جامعه، کلید شناخت، آرمان‌های انقلاب

ترکیب وصفی ← ارزش‌های ایرانی، نگرش جدید

۶- جامعه ← جوامع / تعالیم ← تعلیم / عامل ← عوامل / عاطفه ← عواطف / فکر ← افکار

اقوام ← قوم / فضایل ← فضیلت / آثار ← اثر

۷- کلماتی که به مصوّت «ا» یا «او» ختم شده‌اند، در حالت اضافه به «ی» میانجی نیاز دارند. مانند: نوای خوش، بوی گل

۸- زایا: زاینده، آفریننده، خلّاق / فرزانه: خردمند، دانا / شرافت: بزرگواری، بزرگ‌منشی

۹- وابسته‌ها به ترتیب، عبارت‌اند از: «ارزشمند ـ ادبی / اسلامی ـ ایرانی / همه ـ دلسوز - کشور / در - تازه»

۱۰- صبح صادق ← امام خمینی (انقلاب اسلامی) / قدرت کاذب ← رژیم پهلوی

۱۱- باطن هر ایرانی ← نهاد / همواره ریشه در دو سرچشمهٔ زایا دارد ← گزاره

۱۲- کنایه، سخنی است که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده، معنای دور آن است. هرگاه بخواهیم دربارهٔ مطلبی، به طور غیرمستقیم صحبت کنیم و دربارهٔ امری پوشیده سخن بگوییم از کنایه بهره می‌گیریم.

۱۳- الف: مصراع اوّل کنایه است از بچّه بودن، بی‌تجربه و خام بودن / ب: «بو بردن» کنایه از فهمیدن است و «گریبان دریدن» کنایه است از شادمان و هیجان زده شدن (شکوفا شدن)

۱۴- الف) یک جمله / ب) سه جمله / ج) سه جمله

۱۵- گزینهٔ ۱)؛ املای درست کلمه: معاصر

۱۶- گزینهٔ ۴)؛ دوگانگی ← تفرقه / از میان برخاست ← از بین رفت

۱۷- گزینهٔ ۴)؛ توضیح سایر گزینه‌ها: زرد روی شدن کنایه است از ناامید شدن / مصراع دوم بیت دوم، کنایه از این است که کار بد، پایانی خوب نخواهد داشت / مرغ از قفس رفتن، کنایه است از، از بین رفتن فرصت

۱۸- گزینهٔ ۲)؛ رادمردی: جوان مردی

۱۹- گزینهٔ ۳)؛ املای درست کلمات عبارت است از: «اصل اساسی، تعهّد مردانگی، خدامحوری»

کاربرگ ۱۶

۱- نادرست است.

۲- قاجار، ترکیب‌بند

۳- واقعهٔ کربلا و شهادت امام حسین و یارانش

۴- غرقهٔ بحر بلا بودن: به رنج بسیار زیادی گرفتار شدن

۵- دل ← مجازاً وجود / تشنه دوبار تکرار شده است ← تکرار

۶- صف پر تف محشر ← گرمای سوزان روز قیامت

۷- مخوف: ترسناک، بیمناک / شریف: ارجمند، بزرگوار / مصمّم: پابرجا، استوار و ثابت

۸- الف) دل فرزندان پیامبر در سینه‌شان مانند ماهی‌ای بود که بیرون آب، از تشنگی بی‌قراری می‌کند.

ب) همچو ماهی ← تشبیه

ج) ماهی و آب ← مراعات نظیر

۹- ردیف، علاوه بر آن که نقش مهمّی در افزایش موسیقی شعر دارد، در کامل کردن معنای هر بیت و انتقال پیام نهایی آن، نیز مؤثّر است.

۱۰- املای درست کلمات عبارت است از «از خدا خواسته، تأثیرگذاری»

۱۱- الف ← گل از گل شکفتن کنایه از شاد و خوشحال شدن / ب ← محکم بستن بند کفش‌ها کنایه از مصمّم بودن

۱۲- معنی بیت: آن کسی که در بهشت، عاشقان تشنه را سیراب می‌کند، برای چه، بی‌گناه در کنار رود پر از آب، تشنه لب، کشته می‌شود؟

۱۳- صفت اشاره به ترتیب: آن روز، آن خسرو، آن بر، همین شمشیر

۱۴- گزینهٔ ۴)؛ املای درست کلمه، «غالب» است.

۱۵- گزینهٔ ۲)؛ در این بیت، واژه‌های «لب، لب» جناس دارند. لب: اولی، جزئی از صورت / دومی، ساحل، کران/ ۳) سومی، ساحل، کران

۱۶- گزینهٔ ۲

کاربرگ ۱۷

۱- درست است.

۲- نادرست است.

۳- عشق به سرزمین فلسطین و استقلال آن

۴- حماسی، عاطفی

۵- محمود درویش، فلسطین

۶- هنگام افزودن پیشوند «ب» به فعل‌هایی که با همزه (ء) شروع می‌شوند، املای کلمه تغییر می‌کند و «ی» جایگزین همزه می‌شود.

۷- مهیّا بودن برای چیدن زیتون: خودتان را آمادهٔ آزادی و رهایی کنید.

۸- مشعل‌ها ← متمّم / بشارت ← متمّم / شهید ← مسند

۹- به آثاری که در آن‌ها از شکیبایی، مقاومت، ایثار و شهادت سخن گفته می‌شود، ادبیّات پایداری یا مقاومت می‌گویند.

۱۰- ای فرزندان غزّه / با تمام توانتان بتازید / در راهتان استوار بمانید / در گسترهٔ نبردهاتان پیش بروید

۱۱- کلماتی مانند چند، فلان و... اگر قبل از اسم (هسته) بیایند؛ صفت مبهم نامیده می‌شوند زیرا نوع، چگونگی، شمار و مقدار اسم را به طور نامعیّن نشان می‌دهند.

۱۲- زیتون، نماد کشور فلسطین است به مفهوم صلح و دوستی.

۱۳- گزینهٔ ۴)؛ سدرةالمنتهی درختی است در آسمان هفتم.

۱۴- گزینهٔ ۳

۱۵- گزینهٔ ۲)؛ املای درست کلمه‌ها: «دیگرگونه بیندیشد، ایستادگی کردند»

۱۶- گزینهٔ ۱)؛ صفت‌های مبهم ← هر جامعه / همهٔ آثار

۱۷- گزینهٔ ۲

۱۸- گزینهٔ ۳)؛ در صورت پرسش و بیت گزینهٔ ۳ بر ایثار و از خودگذشتگی تأکید شده است.

۱۹- گزینهٔ ۴)؛ املای درست کلمه، «مهیّا» است.

۲۰- گزینهٔ ۲)؛ «چند» بدون همراهی اسم آمده و صفت نمی‌باشد.

کاربرگ ۱۸

۱- نادرست است.

۲- نادرست است.

۳- در جست و جوی خوشبختی، ابوالقاسم پاینده

۴- روزگار چون باد و ابر ← تشبیه / چون باد و ابر ناپایدار و گذراست ← کنایه از ناپایداری و زودگذری دنیا

۵- املای درست کلمات عبارتند از: «خواهش کردن، چشم مرحمت، اوقات خود، میفکنید، مرغابی‌ها و قوها، سالخورده»

۶- روزگار، دریایی است که کشتی زندگانی ما بر روی آن، به سوی ساحل مقصود می‌رود.

۷- دل‌انگیز: زیبا، دوست‌داشتنی / حیرت: سرگردانی، آشفتگی / رضایت: خشنودی

۸- امروز مجاز از زمان حال / مسرور و غمگین ← تضاد / فردا ← مجاز از آینده / بار غم ← اضافهٔ تشبیهی / بار غم را به دوش کشیدن ← کنایه از در برابر غم، صبر و تحمّل داشتن

۹- گزینهٔ ۴)؛ املای درست کلمه، «تفکّر و تأمّل» است.

۱۰- گزینهٔ ۲)؛ سویت، کویت (سوی، کوی) ← جناس

۱۱- گزینهٔ ۴)؛ مُحال: نشدنی، غیرممکن

۱۲- گزینهٔ ۳)؛ یعنی: ای خدا، مرا از جهل و نادانی نجات بده.

۱۳- گزینهٔ ۲)؛ یعنی: به فکر حال باشید و قدر وقت را بدانید و برای گذشته و آیندهٔ نیامده غصّه نخورید.

۱۴- گزینهٔ ۴)؛ دل باخته بود ← کنایه از عاشق و علاقمند شده بود / پر کشیدن مرغ روح ← کنایه از مردن

۱۵- گزینهٔ ۴)؛ اضطراب و مضطرب ← هم‌خانواده

۱۶- گزینهٔ ۳

کاربرگ ۱۹

۱- نادرست است.

۲- ردیف ← گذاشتیم، گذاشتیم / قافیه ← دنیا، وا

۳- در مصراع اوّل، «همه» صفت مبهم است / در مصراع دوم واژهٔ «هم» صفت مبهم است.

۴- وحشی بافقی

۵- چند ← صفت مبهم

۶- الف) نگاه کردن ← کنایه از توجه کردن / جا گرفتن ← کنایه از قرار گرفتن / سوی، کوی ← جناس

ب) وضو، آب ← مراعات نظیر / خواب در سر نماندن ← کنایه از بیدار شدن و غفلت و بی‌خبری / بر، سر ← جناس

۷- ترکیب‌های وصفی ← فرشتهٔ بی‌پناهی، صیادی سنگدل

ترکیب‌های اضافی ← تفنگ صیاد، سایهٔ خود، چهره‌اش (چهرهٔ او)

۸- گزینهٔ ۱

۹- گزینهٔ ۲)؛ نیست ما را ←ردیف است که یک جمله می‌باشد.

۱۰- گزینهٔ ۳)؛ شیرین در مصراع اوّل به معنی «لذّت بخش و دوست داشتنی» است. امّا در مصراع دوم به معنی «نام یک زن، معشوقهٔ فرهاد» است؛ بنابراین، قافیه هستند؛ نه ردیف.

۱۱- گزینهٔ ۴)؛ جزر و مد ← تضاد/ روزگار مانند دریا ← تشبیه / ساحل مقصود ← تشبیه / دریا، ساحل، جزر و مد ← مراعات نظیر

۱۲- گزینهٔ ۱)؛ در این گزینه «چند» صفت مبهم است.

۱۳- گزینهٔ ۲)؛ از سرد و گرم خبر داشتن ← با تجربه بودن

۱۴- گزینهٔ ۲)؛ رادمردی و جوانمردی

۱۵- گزینهٔ ۱)؛ در گزینهٔ ۲ «چه» ضمیر پرسشی است.

آزمون (۱) ترم دوم

۱- رسا : بلند، کلام شیوا / سحرآمیز : فریبنده / پیکره : جسم / طرّار : دزد / انسجام : یکپارچگی / مضیقه : تنگنا / طراوت : شادابی، تازگی / تبار : اصل ، نژاد

۲-

ـ ای خدایی که نام خوب تو سرآغاز تمام کتاب‌ها است و چهرهٔ درخشان تو زینت‌بخش هر عنوانی است.

ـ کشور با عظمت ما محلّ پیدایش دانایان و خردمندان و دلاوران شجاع است.

ـ وقتی آن مرد آگاه شد که پولش را دزدیدند، با شرمندگی برگشت.

ـ نیازی نیست در انجام کارها عجله کنید و بدون فکر و اندیشه دست به انجام دادن کاری بزنید.

ـ مرا به خاطر این‌که ذکر تو را می‌گویم مشهور ساز و با لطف و محبت بی‌کرانت همراه کن.

ـ از بین رفتن عظمت و احترام انسان نتیجهٔ زندگی شهرنشینی و پیشرفت تمدّن و دانش کشورهای غربی است.

۳-

ـ تیغ زدن ← کنایه از جنگیدن

ـ مرگ و زندگی ← تضاد

ـ چشم و نگریستن ← مراعات نظیر

ـ شادمان بودن غم ← تشخیص

۴- گزینهٔ ۴)؛ علی ← وابستهٔ پسین، مضاف‌الیه

۵- گزینهٔ ۱)؛ این بال‌ها ← مشبه / همانند ← ادات تشبیه / لاله‌های گوش ← مشبهٌ‌به / بی‌پر و بدون رگ‌های اصلی ← وجه شبه

۶- گزینهٔ ۴)؛

۷- گزینهٔ ۲)؛

۸- املای درست کلمات ← تأمّل کردن، حواسی نیرومند، لحن و آهنگ، شکرگزاری

۹- پرندهٔ بیمناک ← وصفی / نخستین ابزار ← وصفی / پیوند رهبری ← اضافی / شکیبای شکوهمند ← وصفی / جلوهٔ جمال ← اضافی / مهار احساس ← اضافی / احساس گوناگون ← وصفی / گذر عمر ← اضافی

۱۰- مرا بزرگ داشتی و حرمت نهادی : به من احترام گذاشتی و گرامی داشتی.

۱۱- همهٔ چشم‌ها به دهان او خیره شدند : همه منتظر بودند که او چیزی بگوید.

۱۲- خس ← جوان مغرور

۱۳- اندیشه‌ات را به کارگیری : خوب فکر کنی

۱۴- جاهای خالی به‌ترتیب عبارت است از :

ـ مرحمت / خیرالبشر

ـ نور / جان

ـ طایری / وفا

ـ دشمنی / روشنی

۱۵- جاهای خالی به‌ترتیب عبارت است از:

ـ مستوره کردستانی

ـ پنجم

ـ ملاصدرا

ـ منشآت

آزمون (۲) ترم دوم

۱- آلایش : آلودگی / خاکساری : فروتنی / مرشد : راهنما / هیاهو : غوغا و فریاد / نامدار : معروف / عزّت : سرافرازی / موضع : محل / فی‌المجلس : فوراً

۲-

ـ پروردگارا مرا مورد لطف خود قرار بده و به سوی خودت هدایت کن.

ـ اگر در انجام وظایف خود کوتاهی کنیم، حق آن‌ها را از بین برده‌ایم.

ـ روزگار مانند دریایی وسیع است که زندگی مانند کشتی در آن شناور است و به سوی هدف حرکت می‌کند.

ـ آن کسی که در بهشت عاشقان تشنه را سیراب می‌کند، برای چه، بی‌گناه در کنار رود پر از آب تشنه لب کشته شد.

ـ من شیر خداوند هستم و شیر میل و خواسته‌های خودم نیستم. کار من شاهدی بر دین‌داری من است.

ـ امیر به این فکر افتاد که در آن خانه چه چیزی وجود دارد؟

۳-

ـ تیغ و تیز ← جناس

ـ لب و دیده و دل ← مراعات نظیر

ـ بالین‌نه ← کنایه از محتاج و نیازمند

ـ مثل قصر ← تشبیه

۴- گزینهٔ ۲)؛

۵- گزینهٔ ۲)؛ «چه» صفت پرسشی

۶- این قبیلهٔ سیاه‌پوست / آن سه کارگر معدن / نخستین روز پاییز / همان چهار همکلاسی

صفت		صفت	صفت	صفت		صفت	صفت
اشاره		اشاره	شمارشی	شمارشی		اشاره	شمارشی

۷- املای درست کلمات عبارت است از : «دیگرگونه بیندیشید، محتوای آثار، حمله و غزا، تحریم تنباکو»

۸- دوست من / در چند قدمی تو جوانه‌ای در حال مرگ است / جوانه تشنه است / آب می‌خواهد

ـ خواست / برخیزد / جنید دامنش بگرفت /گفت / از بهر خدا مرا بیاموز

۹- مرده بود

۱۰- اختلاف و تفرقه از میان رفت

۱۱- پول در کیسه است و لباس هم در بازار وجود دارد.

۱۲- مسئولیت آن بر روی دوش تو است.

-۱۳

ـ چشم دل باز کن که جان بینی / آنچه نادیدنی است آن بینی

ـ گلستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برد ز آب نیل

ـ نکته‌ای گویمت که گر شنوی / شاد مانی به جان و زنده به تن

ـ شد چنان از تف دل کام سخنور تشنه /که ردیف سخنش آمده یک سر تشنه

-۱۴

ـ هارون‌الرشید

ـ یازدهم

ـ وحشی بافقی

ـ ششم